

عنوان مقاله:

نقش مناظره در بیان اعتراضات سیاسی با تاملی بر متون ادبی قرن 4-7 (ه.ق)

محل انتشار:

مجله ادبیات پایداری، دوره 11، شماره 21 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

مریم بلوری - استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

خلاصه مقاله:

اگر بخشی از ادبیات پایداری را اعتراض به طبقه حاکم بدانیم، بدون شک پابرهنگان و فرودستان در این راه پیشتازند. با بررسی متون ادبی، یک چیز به نحو چشمگیری خودنمایی می‌کند و آن افزون بر جسارت و شهادت این گروه، شیوه اعتراضات است. در مقاله پیش رو هدف این بود تا با دقت بیشتری به اعتراضات مطرح شده در متون ادبی قرون چهارم تا پایان قرن هفتم هجری پرداخته و ویژگی مشترک این انتقادات سیاسی شناخته شود. با مطالعه اشعار و متون منثور، رگه‌های مشترکی در بیشتر آثار دیده شد و نتیجه بررسی‌ها نشان داد شیوه اعتراضی پیرزنان، خارکنان، درویشان، زهاد و حتی دیوانگان بر گفت‌وگو و مناظره استوار است، و البته مناظراتی در دو کفه نابرابر، که یک طرف آن معمولا پادشاهی است مقتدر و طرف دیگر بیوه‌زن یا درویشی یک لا قبا است. این مناظرات که عموماً از جانب پادشاه و با قصد تحقیر آغاز شده، به دست طرف دوم که ابتدا خود را بی‌اعتنا نشان داده، پی‌گرفته می‌شود و به شیوه شگفت‌انگیزی به نفع او پایان می‌گیرد. علت فرادستی این فرودستان حاضر جواب، فصاحت و بلاغتی‌ست که از آن برخوردارند و سخن آن‌ها عمدتاً به زیورهای لفظی و معنوی آراسته‌است. در ادامه نمونه‌هایی از این مناظرات به دست داده‌ایم.

کلمات کلیدی:

متون ادبی، ادب اعتراض، مناظره

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1047332>

